

# آگاهی تاریخی و علمی به ارتباط خشونت

## Historical and scientific awareness of the relationship of violence

### نگارش و تتبع

### پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

---

#### قسمت چهارم

#### 3- ربودن (Rape) یا هتک ناموس

#### خلاصه ای از این موضوع را بخوانید

رب (Rape) یا تجاوز جنسی یا هتک ناموس، فعالیت جنسی غیرقانونی، اغلب شامل آمیزش جنسی، بر خلاف میل قربانی از طریق زور یا تهدید به زور یا با فردی که به دلیل وضعیت جزئی، بیماری روانی، نقص روانی، مستی، بیهوشی قادر به رضایت قانونی نیست، یا فریب در بسیاری از حوزه‌های قضایی، جرم تجاوز جنسی تحت عنوان تجاوز جنسی قرار گرفته است. تجاوز مدت‌ها در نظر گرفته می‌شد که ناشی از میل جنسی لجام‌گسیخته است، اما اکنون به عنوان یک ادعای بیمارگونه قدرت بر قربانی شناخته می‌شود.

#### دامنه، اثرات و انگیزه‌ها

تعریف قانونی تجاوز جنسی از اواخر قرن بیستم به طور اساسی تغییر کرده است. تعریف سنتی با توجه به جنسیت و سن محدود بود. تجاوز جنسی، آمیزش جنسی مردی با زن بر خلاف میل او بود. همانطور که تجاوز جنسی اکنون درک شده است، تجاوزگر یا قربانی ممکن است بزرگسالی از هر دو جنس یا کودک باشد. اگرچه تجاوز ممکن است در رابطه جنسی همجنس رخ دهد، اما اغلب توسط یک مرد علیه یک زن انجام می‌شود. همچنین تمایل فزاینده‌ای وجود دارد که به عنوان تجاوز جنسی، اقدام جنسی توسط شوهر با همسرش بر خلاف میل زن تلقی شود و فحشا اجباری و بردگی

جنسی به عنوان اشکال تجاوز جنسی در نظر گرفته شود. در سال 2012، وزارت دادگستری ایالات متحده تعریف جدیدی از تجاوز به عنف را برای استفاده در برنامه گزارش جرم یکنواخت FBI اتخاذ کرد که قوانین جنایی دولتی و تجربیات قربانیان تجاوز را بهتر منعکس می‌کرد. با این تعریف، تجاوز جنسی عبارت است از «نفوذ هر چند جزئی به واژن یا مقعد با هر عضو یا شیء بدن، یا نفوذ دهانی اندام جنسی شخص دیگری بدون رضایت قربانی.»

تجاوز جنسی اغلب به عنوان مظهر نفرت نژادی، قومی، و طبقاتی یا ناشی از یک سیستم مردسالارانه که در آن زنان به عنوان دارایی مردان در نظر گرفته می‌شود، توضیح داده می‌شود. منشا آن هرچه که باشد، تجاوز جنسی یک جرم جدی است و در اکثر کشورهای دارای سیستم حقوقی معمول به عنوان یک جنایت تلقی می‌شود. در بسیاری از محاکمات تجاوز جنسی، گناه یا بی‌گناهی متهم به رضایت یا عدم رضایت قربانی به رابطه جنسی بستگی دارد. تعیین رضایت اغلب می‌تواند منجر به بازجویی‌های متقابل ناراحت‌کننده از قربانیان تجاوز جنسی در دادگاه شود. در نتیجه، بسیاری از قربانیان تجاوز تصمیم می‌گیرند که جنایت را به پلیس گزارش ندهند یا از طرح اتهام علیه مهاجمان خودداری کنند. به عنوان مثال، بر اساس اداره آمار دادگستری، دفتری در وزارت دادگستری ایالات متحده، کمتر از یک چهارم تجاوزها یا تجاوزات جنسی در این کشور در سال 2016 به پلیس گزارش شده است. حتی زمانی که به دادگاه معرفی شدند، افرادی که به تجاوز جنسی متهم شدند دارای نرخ تبرئه بالاتر از حد متوسط هستند، عمدتاً به این دلیل که اثبات جرمی که معمولاً شاهدان شخص ثالثی برای آن وجود ندارد دشوار است و به دلیل اینکه ممکن است شهادت زنان اغلب نسبت به مردان اعتبار کمتری داشته باشد. بنابراین تجاوز هم کمتر گزارش می‌شود و هم تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد. برای محافظت از زنان در برابر بازجویی‌های متقابل تحقیرآمیز، بسیاری از مراجع قضایی قوانین سپر تجاوز به عنف را تصویب کرده‌اند که توانایی وکیل متهم را برای معرفی سابقه جنسی متهم به عنوان مدرک محدود می‌کند.

انگیزه‌های روانی متجاوزان پیچیده‌تر از آن چیزی است که قبلاً تصور می‌شد. آنها ممکن است شامل میل به تنبیه، گرفتن انتقام، ایجاد درد، اثبات قدرت جنسی و کنترل از طریق ترس باشند. واکنش‌های روانی قربانیان تجاوز نیز متفاوت است، اما معمولاً شامل احساس شرم، تحقیر، سردرگمی، ترس و خشم است. قربانیان اغلباً احساس آلودگی دائمی، ناتوانی در احساس پاک‌ی، احساس آسیب پذیری شدید و احساس فلج‌کننده عدم کنترل بر زندگی خود را گزارش می‌دهند. ترس از جایی که جنایت در آن رخ داده است، یا از تعقیب شدن، یا از تمام روابط جنسی، ترس بسیاری از آنهاست. برخی دیگر دچار اختلال درازمدت الگوهای خواب یا خوردن یا ناتوانی در عملکرد در محل کار می‌شوند. طول مدت آسیب روانی از فردی به فرد دیگر متفاوت است. بسیاری از افراد، حتی با درمان حمایتی قابل توجه، اثرات آن را برای سالها احساس می‌کنند. با توجه به صدمات روانی بزرگی که ایجاد می‌کند، بسیاری از روانشناسان تجاوز را نوعی شکنجه می‌دانند - مثله کردن دائمی زندگی یک فرد. علاوه بر این اثرات روانی، در برخی جوامع، قربانیان تجاوز جنسی با خطر طرد شدن یا حتی مرگ به دست بستگانی که به دنبال حفظ آبروی خانواده خود هستند، مواجه می‌شوند (با قربانیان آدم‌ربایی بدون تجاوز ممکن است به همین ترتیب رفتار شود).

## رپ قانونی

سنی که در آن یک فرد ممکن است رضایت مؤثر به رابطه جنسی بدهد معمولاً در اکثر کشورها بین 14 تا 18 سال تعیین می‌شود (اگرچه در برخی کشورها این سن به 12 سال می‌رسد). آمیزش جنسی با یک فرد زیر سن رضایت، تجاوز قانونی نامیده می‌شود و رضایت دی‌گر مطرح نیست. اصطلاح تجاوز قانونی به طور خاص به ممنوعیت قانونی برای برقراری رابطه جنسی با کودک یا

هر شخص دیگری که تصور می شود از عواقب جسمی و سایر عواقب این عمل آگاه نیست، اشاره دارد. اصطلاح تجاوز قانونی همچنین ممکن است به هر نوع تجاوز جنسی اطلاق شود که توسط فردی در مقامی که دارای قدرت است (به عنوان مثال، کارفرمایان، معلمان، روحانیون، پزشکان و والدین) بر علیه فردی که سن رضایتش بالاتر است انجام شود. تجاوز قانونی اغلب قربانی را با آسیب های روانی و جسمی طولانی مدت از جمله بیماری های مقاربتی و ناتوانی در بچه دار شدن مواجه می کند.

به عنوان مثال، تجاوز به عنف قانونی در آفریقای جنوبی در دوره پس از لغو آپارتاید رایج بود، زمانی که تخمین زده می شد که حدود دو پنجم قربانیان تجاوز جنسی در آفریقای جنوبی زیر 18 سال سن داشته باشند. که رابطه جنسی با یک باکره (از جمله یک نوزاد) متجاوز را از **اچ آی وی / ایدز** درمان می کند. طبق گزارش **اینترپل**، در اوایل قرن بیست و یکم، سرانه تجاوز در آفریقای جنوبی بیش از هر کشور دیگری بود. مطالعه ای که در سال 2009 توسط شورای تحقیقات طبی در آفریقای جنوبی انجام شد، نشان داد که بیش از یک چهارم مردان آفریقای جنوبی گفته اند که مرتکب تجاوز جنسی شده اند. تقریباً سه چهارم این مردان اولین تجاوز جنسی خود را قبل از رسیدن به سن 20 سالگی انجام دادند و تقریباً نیمی از آنها تجاوزکاران مکرر بودند. بسیاری از شرکت کنندگان از این حملات ابراز ندامت نکردند.

اشتراک Britannica Premium را دریافت کنید و به محتوای انحصاری دسترسی پیدا کنید.

واکنون مشترک شوید.

## تجاوز جنسی به عنوان یک سلاح جنگی

تجاوز به زنان توسط سربازان در زمان جنگ در طول تاریخ اتفاق افتاده است. در واقع، تجاوز به عنف برای مدت طولانی به عنوان همراهی ناگوار اما اجتناب ناپذیر جنگ تلقی می شد - نتیجه محرومیت جنسی طولانی مدت سربازان و انضباط نظامی ناکافی. استفاده از آن به عنوان یک سلاح جنگی در طول جنگ جهانی دوم به طرز وحشتناکی نشان داده شد، زمانی که هم ارتش متفقین و هم ارتش محور تجاوز به عنف را به عنوان وسیله ای برای ترساندن جمعیت غیرنظامی دشمن و تضعیف روحیه نیروهای دشمن انجام دادند. دومورد از بدترین نمونه ها، بردگی جنسی زنان در سرزمین های تسخیر شده توسط ارتش ژاپن و تجاوز دسته جمعی علیه زنان آلمانی توسط سربازان روسی پیشروی بود.

در نیمه دوم قرن بیستم، موارد تجاوز جنسی در بیش از 20 درگیری نظامی و شبه نظامی ثبت شد. در دهه 1990، تجاوز جنسی به عنوان ابزاری برای پاکسازی قومی در یوگسلاوی سابق و به عنوان وسیله ای برای نسل کشی در رواندا مورد استفاده قرار گرفت. در مورد اول، زنان متعلق به گروه های قومی تحت سلطه، عمداً از طریق تجاوز توسط سربازان دشمن باردار شدند. در مورد دوم، زنان متعلق به گروه قومی توتسی به طور سیستماتیک توسط مردان آلوده به اچ آی وی مورد تجاوز قرار گرفتند که توسط دولت تحت رهبری هوتوها سازماندهی و استخدام شده بودند.

در اواخر قرن بیستم، تا حدی به دلیل شیوع تجاوز جنسی در درگیری های بالکان و رواندا، جامعه بین المللی تجاوز به عنف را به عنوان یک سلاح و استراتژی جنگ به رسمیت شناخت و تلاش هایی برای پیگرد قانونی چنین اعمالی بر اساس قوانین بین المللی موجود انجام شد. اساسنامه اولیه، ماده 27 کنوانسیون ژنو در رابطه با حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ (1949)، قبلاً شامل حمایت زبانی از زنان در برابر هرگونه حمله به ناموس آنها، به ویژه در برابر تجاوز جنسی، فحشا اجباری، یا هر شکلی از تجاوز ناشایست؛ این حفاظت در یک پروتکل اضافی که در سال 1977 تصویب شد، تمدید شد.

در سال 1993، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (در سال 2006 با شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد جایگزین شد) تجاوز جنسی سیستماتیک و برده داری جنسی نظامی را جنایت علیه بشریت به عنوان نقض حقوق بشر زنان اعلام کرد. در سال 1995، چهارمین کنفرانس جهانی زنان سازمان ملل متحد تصریح کرد که تجاوز جنسی توسط گروه های مسلح در زمان جنگ جنایت جنگی است. صلاحیت دادگاه های بین المللی که برای تعقیب جنایات مرتکب شده در درگیری های یوگسلاوی سابق و رواندا تأسیس شده اند، هر دو شامل تجاوز جنسی می شدند و این دادگاه ها را در زمره اولین نهادهای بین المللی قرار داد که خشونت جنسی را به عنوان جنایت جنگی محاکمه کردند. در یک پرونده مهم در سال 1998، دادگاه **رواندا** حکم داد که «تجاوز جنسی و خشونت جنسی نسل کشی است.» دادگاه کیفری بین المللی که در سال 1998 تأسیس شد، متعاقباً صلاحیت رسیدگی به طیف وسیعی از مسائل زنان از جمله تجاوز جنسی و بارداری اجباری را به خود اختصاص داد. شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ای که در سال 2008 تصویب شد، تأیید کرد که «تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی می تواند جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت یا اقدامی اساسی در رابطه با نسل کشی باشد»

در سال 2008، دولت کنگو (کینشاسا) و سازمان های بین المللی مختلف تلاش های خود را برای مبارزه با بحران تجاوز جنسی در این کشور افزایش دادند - استفاده مداوم از تجاوز جنسی در مقیاس گسترده توسط همه طرف ها در جنگ داخلی وحشیانه ای که در سال 1998 آغاز شده بود. آموزش تکنیک های پزشکی قانونی و ساخت دادگاه ها، کلینیک های قانونی و زندان ها متعاقباً افزایش قابل توجهی در دستگیری ها، پیگردها و محکومیت ها در کنگو به همراه داشت. این بحران و قربانیان آن - تا آن زمان بیش از یک چهارم میلیون زن و دختر، بر اساس برخی برآوردها - در فیلم «بزرگترین سکوت» در سال 2008 توسط فیلمساز لیزا جکسون ثبت شد.

در سال 2009 مقامات سازمان ملل و چندین سازمان حقوق بشر و کمک، از جمله دیده بان حقوق بشر و آکسفام، تعداد زیادی تجاوز جنسی به مردان را در شرق **کنگو** گزارش کردند. گفته می شود این حملات که صدها نفر تخمین زده می شود، در تلافی عملیات نظامی مشترک بین **کنگو** و رقیب سابقش **رواندا** بوده است.

## 5- تجاوز جنسی (sexual assault).

خشونت جنسی در هر جامعه ای اتفاق می افتد و افراد در هر جنسیت و سن را تحت تاثیر قرار می دهد. خشونت جنسی هر نوع تماس جنسی ناخواسته است. این شامل کلمات و اعمالی با ماهیت جنسی بر خلاف میل شخص و بدون رضایت او می شود. یک فرد ممکن است از زور، تهدید، دستکاری یا اجبار برای ارتکاب خشونت جنسی استفاده کند.

### انواع خشونت جنسی عبارتند از :

- تجاوز جنسی یا تجاوز جنسی .
- تجاوز جنسی به کودکان و محارم .
- تجاوز جنسی توسط همسر یا شریک زندگی فرد .
- تماس جنسی / لمس ناخواسته .
- آزار و اذیت جنسی .
- استتمار و قاچاق جنسی .
- قرار دادن اندام تناسلی یا بدن برهنه خود در معرض دیگران بدون رضایت
- خودارضایی در ملاء عام .

• تماشای شخصی که بدون اطلاع یا اجازه او در حال انجام کارهای خصوصی است به اشتراک گذاری عکس بدون توافق.

یک زمینه اجتماعی وجود دارد که خشونت جنسی را احاطه کرده است. هنجارهای اجتماعی که خشونت را تا بیید می‌کنند، از قدرت بردیگران استفاده می‌کنند، ساختارهای سنتی مردانگی، انقیاد زنان، و سکوت در مورد خشونت و آزار، به وقوع خشونت جنسی کمک می‌کنند. ظلم و ستم در تمام اشکال آن یکی از علل اصلی خشونت جنسی است. خشونت جنسی از طریق همکاری اعضای جامعه در سطوح مختلف جامعه قابل پیشگیری است - در خانه‌ها، محله‌ها، مدارس، محیط‌های مذهبی، محل کار، و سایر محیط‌ها. همه ما در پیشگیری از خشونت جنسی و ایجاد هنجارهای احترام، ایمنی، برابری و کمک به دیگران نقش داریم.

## رضایت چیست (consent)؟

رضایت باید آزادانه داده شود و اطلاع داده شود و فرد می‌تواند در هر زمانی نظر خود را تغییر دهد.

رضایت بیشتر از یک بله یا خیر است. این گفت و گو در مورد خواسته‌ها، نیازها و سطح راحتی با تعاملات جنسی مختلف است.

## خشونت جنسی بر چه کسانی تأثیر می‌گذارد؟

قربانیان خشونت جنسی شامل افراد در هر سن، نژاد، جنسیت و مذاهب - با و بدون معلولیت است.

• تقریباً یک زن از هر پنج زن در ایالات متحده در طول زندگی خود تجاوز جنسی یا اقدام به تجاوز جنسی را تجربه کرده است (بلک و همکاران، 2011).

• در ایالات متحده، از هر 71 مرد، یک نفر تجاوز جنسی یا اقدام به تجاوز جنسی را تجربه کرده است (بلک و همکاران، 2011).

• تخمین زده می‌شود 32.3 درصد از زنان چند نژادی، 27.5 درصد از زنان سرخپوست آمریکایی/آلاسکا، 21.2 درصد از زنان سیاه پوست غیر اسپانیایی، 20.5 درصد از زنان سفیدپوست غیر اسپانیایی و 13.6 درصد از زنان اسپانیایی از تجاوز جنسی برخوردارند. (خود گفته اند، 2011) (همکاران، 2011).

## قربانیان اغلب فردی را می‌شناسند که به آنها تجاوز جنسی کرده است.

افرادی که سوء استفاده جنسی می‌کنند معمولاً افرادی را که می‌شناسند هدف قرار می‌دهند.

• تقریباً از هر چهار نوجوان (74%) سه نفر که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، توسط فردی که به خوبی می‌شناختند قربانی شدند (کیلیپاتریک، ساندرز و اسمیت، 2003).

• یک پنجم (21.1%) توسط یکی از اعضای خانواده مرتکب شده است (کیلیپاتریک، ساندرز و اسمیت، 2003).

## قربانیان هرگز مقصر نیستند.

انتخاب تجاوز به شخص دیگر به معنای «نوشیدن بیش از حد»، «تلاش برای گذراندن اوقات خوش» یا «فرور شدن» نیست، و همچنین به لباسی که شخص پوشیده، نحوه رفتار یا نوع رابطه‌اش نیست. آنها با فردی که از آنها سوء استفاده کرده است تجاوز به شخص دیگری یک انتخاب است.

## تجاوز جنسی اغلب گزارش یا محکوم نمی شود .

یک فرد ممکن است تصمیم بگیرد که به مجریان قانون گزارش ندهد یا به کسی در مورد قربانی شدنش که به دلایل زیادی تجربه کرده است بگوید. برخی از رایج ترین عباراتند از :

- ترس از باور نکردن
- ترس از تلافی
- شرم یا ترس از سرزنش شدن
- فشار دیگران
- بی اعتمادی نسبت به مجریان قانون تمایل به محافظت از مهاجم به دلایل دیگر.

## تأثیر خشونت جنسی

تأثیر خشونت جنسی فراتر از بازماندگان فردی است و به تمام جامعه می رسد.

### تأثیر بر بازماندگان

یک حمله ممکن است بر زندگی روزمره یک بازمانده تأثیر بگذارد، مهم نیست چه زمانی اتفاق افتاده است. هر بازمانده ای به شیوه خاص خود به خشونت جنسی واکنش نشان می دهد. واکنش های عاطفی رایج شامل احساس گناه، شرم، ترس، بی حسی، شوک و احساس انزوا است. اثرات فیزیکی ممکن است شامل صدمات شخصی، نگرانی در مورد بارداری یا خطر ابتلا به عفونت مقاربتی باشد. اثرات اقتصادی خشونت جنسی شامل هزینه های پزشکی و سایر هزینه ها علاوه بر مواردی مانند مرخصی از کار است. اثرات روانی طولانی مدتی که با زمان گذر در صورت درمان نشدن تروما ممکن است با آن مواجه شوند عبارتند از اختلال استرس پس از سانحه، اضطراب، افسردگی، انزوا و موارد دیگر.

### تأثیر بر عزیزان

خشونت جنسی می تواند بر والدین، دوستان، شریک زندگی، فرزندان، همسران و/یا همکاران بازماندگان تأثیر بگذارد. هنگامی که آنها سعی می کنند آنچه را که اتفاق افتاده است بفهمند، ممکن است عزیزان واکنش ها و احساسات مشابهی مانند ترس، گناه، سرزنش خود و عصبانیت را با بازماندگان تجربه کنند.

### تأثیر بر جوامع

مدارس، محل های کار، محله ها، دانشگاه ها و جوامع فرهنگی یا مذهبی ممکن است احساس ترس، خشم یا ناباوری در هنگام وقوع تجاوز جنسی در جامعه خود کنند. خشونت از هر نوع، احساس امنیت و اعتماد را از بین می برد. هزینه های مالی برای جوامع از جمله خدمات پزشکی، هزینه های عدالت کیفری، هزینه های خدمات بهداشت روانی و بحران، و کمک های از دست رفته افراد متأثر از خشونت جنسی وجود دارد.

### تأثیر بر جامعه

کمک ها و دستاوردهایی که ممکن است هرگز در نتیجه خشونت جنسی حاصل نشود، هزینه ای را برای جامعه نشان می دهد که قابل اندازه گیری نیست. خشونت جنسی، ستون های اساسی امنیت و اعتمادی را که مردم آرزوی داشتن آن را در جوامع خود دارند، تضعیف می کند، زیرا محیطی از ترس و ظلم ایجاد می کند.

یک مطالعه اخیر از مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری نشان داد که قربانیان خشونت جنسی 122461 دلار در طول عمر خود متحمل هزینه های مربوط به دستمزدهای از دست رفته، سلامتی، عدالت کیفری و خسارت مالی می شوند (پترسون و همکاران، 2017). تحقیقات بیشتر نشان می دهد که خشونت جنسی می تواند تحصیلات و اشتغال فرد را از مسیر خارج کند و در نتیجه در طول

زندگی 241600 دلار از دست بدهد (مک میلان، 2000).  
تجارت جنسی و واکنش های ترومایی مرتبط می تواند شغل بازماندگان را از طرق مختلفی از جمله مرخصی، کاهش عملکرد، از دست دادن شغل و ناتوانی در کار مختل کند (لویا، 2014). بر سال 2015، کمیسیون فرصت های شغلی برابر به تنهایی 164.5 میلیون دلار برای کارگرانی که ادعای آزار و اذیت داشتند، بازیابی کرد (کمیسیون فرصت های شغلی برابر، 2016). هزینه های غیرمستقیم برای کارفرمایان شامل کاهش بهره وری، گردش مالی بیشتر و آسیب به شهرت است

## References

Black, M. C., Basile, K. C., Breiding, M. J., Smith, S. G., Walters, M. L., Merrick, M. T., Chen, J., & Stevens, M. R. (2011). *National Intimate Partner and Sexual Violence Survey: 2010 summary report*. Retrieved from the National Center for Injury Prevention and Control, Centers for Disease Control and Prevention:

[http://www.cdc.gov/violenceprevention/pdf/nisvs\\_report2010-a.pdf](http://www.cdc.gov/violenceprevention/pdf/nisvs_report2010-a.pdf)

Equal Employment Opportunity Commission. (2016). Final Report of the EEOC Select Task Force on the Study of Harassment in the Workplace. Washington, D. C. Retrieved from:

[https://www.eeoc.gov/eeoc/task\\_force/harassment/index.cfm](https://www.eeoc.gov/eeoc/task_force/harassment/index.cfm)

Kilpatrick, D. G., Saunders, B. E., & Smith, D. W. (2003). Youth victimization: Prevalence and implications (NIJ Research Brief NCJ 194972). Retrieved from the National Criminal Justice Reference Service: <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/nij/194972.pdf>

Loya, R. M. (2014) Rape as an economic crime: The impact of sexual violence on survivor's employment and economic well-being. *Journal of Interpersonal Violence*, 30 (16), 2793-2813. doi:10.1177/0886260514554291

MacMillan, R. (2000). Adolescent victimization and income deficits in adulthood: Rethinking the costs of criminal violence from a life-course perspective. *Criminology*, 38(2), doi: 10.1111/j.1745-9125.2000.tb00899.x

Peterson, C., DeGue, S., Florence, C., & Lokey, C. N. (2017). Lifetime economic

**دوام دارد**